

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقریرات درس خارج اصول

### حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسی طباطبائی نیرودی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۸۲ - سه شنبه ۹۲/۱/۲۷

#### پاسخ اشکال دوم

مرحوم امام<sup>۱</sup> و دیگران در صدد دفع این اشکال برآمده‌اند که خلاصه‌ی پاسخ آنان چنین است:

اگر هر یک از اطراف را منضمماً به دیگری در نظر بگیریم و اطمینان‌ها را کنار هم قرار دهیم با علم اجمالی به وجود حرام در اطراف، در تناقض خواهد بود و این یک مطلب بدیهی است و این شتم قلم: اساساً چنین اطمینانی حاصل نمی‌شود. آیا می‌شود هزار اطمینان منضمماً به هم حاصل شود که حرام در هیچ‌کدام نیست، اما علم وجود داشته باشد که حرام در میان آنها وجود دارد؟! خیر، چنین اطمینانی حاصل شدنی نیست. بنابراین مقصود آن است که هر دو مورد را که مکلف در نظر می‌گیرد اطمینان دارد که تکلیف معلوم در آن نیست بلکه در سایر اطراف است.

فرضاً اگر هزار گوسفند در شهر باشند که می‌دانیم یکی از آنها حرام است، آیا می‌توان گفت گوسفندی که با آن برخورد کرده‌ایم همان گوسفند حرام‌اللحم است؟ خیر، اطمینان وجود دارد که گوسفند حرام‌اللحم در سایر اطراف است.

اگر هر یک از اطراف را به این نحو در نظر بگیریم این اطمینان وجداناً حاصل می‌شود.

شاهد روشن بر این معنا آن است که: اطراف شبهه‌ی غیر محصوره به گونه‌ای است که در هر یک از آنها قطعاً احتمال عدم تکلیف وجود دارد و کسی منکر آن نیست. بنابراین قطع وجود دارد که احتمال دارد تکلیف

---

۱. تهذیب الأصول (ط - جدید)، ج ۳، ص ۲۴۴.

در این طرف خاص نباشد و یا به تعبیری دیگر، قطعاً این احتمال داده می‌شود که تکلیف در این طرف خاص نباشد، حال اگر سراغ طرف دیگر برویم قطعاً احتمال می‌دهیم تکلیف در آن نباشد. همین‌طور طرف سوم و چهارم و... و طرف نهصد و نود و نهم و طرف هزارم، قطعاً احتمال می‌دهیم تکلیف در آن نباشد.

از سوی دیگر علم و قطع داریم که تکلیف در این مجموعه‌ی هزار عددی وجود دارد. چگونه این قطع با هزار احتمال عدم حکم جمع می‌شود؟ هزار احتمال عدم وجود تکلیف با قطع به تکلیف تنافی ندارد؛ زیرا علی‌الفرض هزار احتمال را منضمماً در نظر نمی‌گیریم، بلکه هر فرد را به طور مجزاً و جدا جدا در نظر می‌گیریم، لامحاله مانعی ندارد که هر یک از این هزار احتمال مستقل، با علم به وجود تکلیف در میان آنها جمع شود.

بنابراین اشکالی که مرحوم حاج شیخ عبدالکریم و دیگران مطرح کردند دفع می‌شود.

## دو نکته از حضرت امام

مرحوم امام در اینجا دو نکته را ذکر می‌کنند که مناسب است به آن دو اشاره کنیم:

اگر ملاک در شبهه‌ی غیر محصوره، موهوم بودن وجود تکلیف در هر یک از اطراف به خصوصه لکثرة الأطراف باشد، دو لازمه دارد:<sup>۱</sup>

۱- اگر کسی قصد داشته باشد از ابتدا تمام اطراف شبهه‌ی غیر محصوره یا مقدار معتناهی از اطراف را مرتکب شود، به عنوان مثال تاجری قصد کند نصف گوسفندان بلد را خریداری کند ولو به تدریج و در طول زمان، این فرد نمی‌تواند طبق ملاک مذکور، این گوسفندان را خریداری کند؛ زیرا از اول قصد دارد مقدار معتناهی را ولو در طول زمان خریداری کند و لذا وجود گوسفند غصبی در میان آنچه که مرتکب می‌شود موهوم نخواهد بود، برخلاف جایی که یک یا فرضاً دو یا تعداد معدودی خریداری کند که در این حالت، وجود حرام موهوم است. بنابراین در مورد چنین شخصی طبق ملاک مذکور حکم به جواز ارتکاب نمی‌شود و علم اجمالی منجز نخواهد بود.

و بالجمله اگر کسی قصد ارتکاب قدر معتناهی تدریجاً داشته باشد در منجزیت علم اجمالی کافی است.

۲- اگر این مکلف چند طرف از اطراف علم اجمالی را به هم ضمیمه کند چه‌بسا به منجزیت علم اجمالی منجز شود؛ زیرا با ضمیمه کردن چند طرف، وجود تکلیف در میان آنها موهوم نیست و اطمینان به

---

۱. تهذیب الأصول، ج ۳، ص ۲۴۹.

عدم تکلیف در آنها زایل می‌شود.<sup>۱</sup>

به عنوان مثال: می‌دانیم اینائی از میان هزار اِناء نجس است ولی آن را نمی‌شناسیم. اگر هر یک از ظرف‌ها به تنهایی در نظر گرفته شود اطمینان به عدم تکلیف در آن وجود دارد، ولی اگر مکلف پنجاه ظرف را به هم ضمیمه کند و بخواهد یک‌باره از آنها استفاده کند دیگر اطمینان به عدم وجود حرام در آن ندارد؛ زیرا احتمال وجود حرام از موهوم بودن خارج می‌شود و درصد وجود آن زیاد می‌شود، لذا علم اجمالی منجز خواهد بود.

### نقد و بررسی فرمایش مرحوم امام

مرحوم امام در یک بخش فرمودند: اگر فردی قصد کند تدریجاً افراد زیادی را مرتکب شود که اطمینان به عدم تکلیف در آنها ندارد، علم اجمالی در حق او منجز است و حق ارتکاب ندارد. ولیکن این سخن قابل التزام نیست؛ زیرا قصد یا عدم قصد ارتکاب تدریجی، در محصوره یا غیر محصوره بودن دخالتی ندارد، بلکه ملاک غیر محصوره آن بود که نسبت به هر طرف اطمینان به عدم تکلیف وجود داشته باشد و وجود تکلیف اجمالی در آن موهوم باشد و لذا اینکه فردی بخواهد در طول زمان، تعداد معتابهی مرتکب شود قصد او اثری در این ملاک ندارد؛ به دلیل آنکه وقتی با طرف اول مواجه می‌شود اطمینان به عدم تکلیف در آن و اطمینان به وجود تکلیف در سایر اطراف دارد و لذا ارتکاب آن برای او جایز است، همچنین ارتکاب اطراف بعدی؛ به خاطر آنکه اطمینان دارد تکلیف در این طرف خاص نیست بلکه یا در باقیمانده است و یا در اطرافی بوده که قبلاً مرتکب شده است. لامحاله به تدریج می‌تواند مرتکب همه‌ی آن مقدار شود.

آری، اگر مکلفی قصد کند همه‌ی اطراف را تدریجاً مرتکب شود، معنایش داشتن قصد حرام است که همان تجرّی است که استحقاق عقوبت می‌آورد - بنابر آنکه صرف تجرّی بدون بروز خارجی به طور کامل استحقاق عذاب بیاورد - و حتی اگر مکلفی قصد کند که تعداد معتابهی را انجام دهد ولو حرام در آنها باشد، به گونه‌ای که نتواند در ذهن خود مجوزی برای ارتکاب آنها بیابد، باز مرتکب تجرّی شده است اما به هر حال عقوبت ارتکاب حرام بر او نوشته نمی‌شود و تنها مستحق عقوبت تجرّی است؛ به دلیل آنکه وقتی می‌خواهد هر یک از اطراف را مرتکب شود اطمینان به عدم تکلیف در آن دارد و این اطمینان عقلاً حجت است و شرعاً مضمّاة است، پس نسبت به ارتکاب هر طرفی به تنهایی معذور است.

---

۱. همان، ص ۲۵۰.

اما بخش دوم کلمات حضرت امام علیه السلام در کمال متانت و صحت است.

**نتیجه آنکه:** معیاری که جناب شیخ علیه السلام در تشخیص شبهه‌ی غیر محصوره بیان کردند، به این صورت که وجود تکلیف در اطراف، به خاطر کثرت اطراف به قدری موهوم باشد که عقلا به آن اعتنا نمی‌کنند، فی‌الجمله صحیح است اما تمام ملاک برای شبهه‌ی غیر محصوره نیست و معیار دیگری وجود دارد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

مقرر: سید حامد طاهری